

بررسی فقهی و علمی اجزای حرام چهارپایان حلال گوشت

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Print ISSN: ۲۷۱۷- ۱۴۶۹
Online ISSN: ۲۷۱۷ – ۱۴۷۷

ISC.SID.NOORMAGZ.MAGIRAN
GOOGLESCHOLAR.ENSANI
www.jaml.ir

سال ۱۴۰۴، سال ششم، شماره ۲۳،
صفحات ۱۹-۱

کارشناسی ارشد، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران.
hoseini3209@yahoo.com

سیدعباس حسینی

استاد، گروه علوم درمانگاهی، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران.

mhajih@scu.ac.ir

محمد رحیم حاجی حاجی

کلایی

دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران.
ahrr39@scu.ac.ir

عبدالحسین رضائی راد

چکیده

دین اسلام درباره جانوران احکامی مقرر نموده که از میان این احکام، چهارپایانی که اصالتاً و ذاتاً حلال گوشت هستند، اجزایی دارند که حتی بعد از تذکیه شرعی، مصرفشان جایز نیست. با توجه به ارتباط این مسئله با تغذیه انسان، توجه و تحقیق درباره این احکام ضروری محسوب می شود. پیشرفت علم جانوران در عصر حاضر سبب طرح پرسش های فراوانی درباره میزان ارتباط و موافق یا مخالف بودن یافته های علمی با این احکام گردید. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی در تلاش است تا دلیل حرمت برخی از اجزاء را از منظر فقه امامیه بیان نموده سپس در حد امکان با یافته های علمی موجود تطبیق و بررسی نماید. در این پژوهش چنین حاصل گردید که بعضی از این اجزا محل جمع شدن میکروب ها و عوامل دفعی چهارپایان بوده که غالباً برای انسان بیماری زا، و ارزش غذایی خاصی ندارند. همچنین به جهت خطر انتقال بیماری مشترک بین انسان و دام، ایجاد مشکلات گوارشی و به دلیل مسائل مختلف بهداشتی و به طور کلی در راستای دفع ضرر جسمانی مصرف آنها ممنوع اعلام شده است. البته این ممنوعیت به این دلیل نیست که این اندام ها بد و پلید باشند بلکه تنها برای مصرف انسان غیر مناسب و ممنوع می باشند.

فقه، حلال گوشت، اجزای حرام، چهارپایان.

واژگان کلیدی:

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: ۲۷۱۷- ۱۴۶۹

Online ISSN: ۲۷۱۷ - ۱۴۷۷

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year ۲۰۲۵, Sixth year ,Issue
۲۳

Pages ۱-۱۹

The Jurisprudential and the Scientific Study of the Forbidden Parts of Quadrupeds Halal-Meat

Seyyed Abbas Hosseini

Master's degree, Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Iran.

Mohammad Rahim Haji
hajiKalai

Professor, Department of Clinical Sciences, Faculty of Veterinary Medicine, Shahid Chamran University of Ahvaz, Iran

Abdolhossein Rezaei
Rad

Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Iran

Abstract

The religion of Islam has established rules regarding animals, and among these rules, livestock, which are originally and inherently halal meat, have parts that are not permissible to consume even after religious purification. Given the relevance of this issue to human nutrition, attention and research on these rules are considered essential. The progress of animal science in the present era has raised many questions about the extent of the relationship and whether scientific findings agree or disagree with these rules. The present study, using a descriptive-analytical method, attempts to explain the reason for the sanctity of some parts from the perspective of Imami jurisprudence and then compare and examine them with existing scientific findings as much as possible. In this study, it was found that some of these parts are places where microbes and excretory factors of livestock accumulate, which are often pathogenic for humans and have no special nutritional value. Also, due to the risk of transmitting common diseases between humans and livestock, causing digestive problems, and due to various health issues and in general in order to prevent physical harm, their consumption has been prohibited. Of course, this prohibition is not because these organs are evil or unclean, but rather because they are simply unsuitable and forbidden for human consumption.

Keywords: Jurisprudence, halal meat, forbidden parts, livestock.

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

که براساس شک و تردید ارائه می شود را به عنوان حکمت احکام معرفی کنیم به این دلیل که ممکن است باتوجه به محدودیت عقل بشری و آزمون و خطا بودن نتایج علمی، در آینده و با پیشرفت علوم چنین یافته هایی رد بشوند و خلاف آن ها ثابت شود و حتی یافته های ثابت شده و قطعی را نباید به عنوان حکمت تامه و تنها حکمت آن حکم بدانیم.

گاهی حکمت تحریم برخی از موارد متعلق به جانوران، وجود ضررهای جسمی و یا ضررهای روحی و معنوی بوده که یافته های علمی با استفاده از ابزارهای پیشرفته فقط قادر هستند ضررهای جسمی را تشخیص بدهند اما ممکن است ضررهای روحی و روانی نیز دارا باشد که فعلاً توسط علوم تجربی اثبات نمی شود. در این پژوهش سعی می شود پس از بیان دلیل فقهی متعلق به اجزای حرام چهارپایان حلال گوشت، در حد امکان به تطبیق یافته های علمی با این احکام پردازیم.

۱- تاریخچه تحریم اجزاء

از میان اجزای حرام، تنها خون به صراحت در قرآن حرام اعلام شده است و حرمت سایر اجزاء در روایات و متون فقهی آمده است. به طور کلی در تعداد اعضای حرام چهارپایان حلال گوشت بین فقهای امامیه اختلاف نظر وجود دارد. برخی فقها درباره بعضی اجزاء فتوای حرمت و نسبت به اجزای دیگر قائل به لزوم احتیاط هستند. با مراجعه به ادله فقهی و بررسی دیدگاه های فقهای متقدم و متأخر، حداکثر تعداد اجزای حرام پانزده عضو هستند. این پانزده عضو عبارتند از: ۱- خون ۲- سپرز (طحال) ۳- فضولات ۴- نری ۵- دُنبَلان ۶- بچه دان ۷- بول دان (مثانه) ۸- فَرْج (اندام تناسلی حیوان ماده) ۹- زهره دان (کیسه صفر) ۱۰- عُذَد ۱۱- نخودی مغز ۱۲- حذقه چشم ۱۳- نُخاع ۱۴- پی گردن ۱۵- ذات الأشجاع (غده میان سُم).

شهید اول با اشاره به این پانزده عضو می نویسد: «تَحَرُّمُ مِنَ الذَّبِيحَةِ خَمْسَةَ عَشَرَ: الدَّمُ وَالطَّحَالُ وَالْقَضِيبُ وَالْأَنْثِيَانِ وَالْفَرْجُ وَالْمَثَانَةُ وَالْمَرَارَةُ وَالْمَشِيمَةُ وَالْفَرْجُ وَالْعِلْبَاءُ وَالنُّخَاعُ وَالْعُدَّةُ وَذَاتُ

احکام فقهی و مجموعه بایدها و نبایدهای اسلامی به عنوان یکی از مهم ترین مسائل مورد توجه در زندگی مسلمانان محسوب می شود و از میان این احکام و دستورات، احکام چهارپایان حلال گوشت می باشد که دین اسلام ضمن تبیین احکام و مقررات متعلق به آن ها و امر به مراعات این احکام، توجه خاصی به این قسم از جانوران نموده است. ارتباط تنگاتنگی که زندگی مردم با چهارپایان حلال گوشت دارد، می تواند یکی از ادله این عنایت و توجه ویژه در بیان جزئیات احکام آن ها باشد. از میان احکام متعلق به این دسته از جانوران، حرمت استفاده برخی اجزای آنها برای تغذیه انسان است که برخی از حکمت های این ممنوعیت در لسان روایات تبیین شده است و با پیشرفت علوم می توانیم از بُعد علمی به بیان حکمت این احکام و بیان و تحلیل دیدگاه های موافق و مخالف پردازیم. همچنین اهمیت و جایگاه یافته های علمی در دین اسلام و به ویژه در مذهب شیعه به دلیل باز بودن باب اجتهاد و امکان بهره بردن از آن ها در طریقه استنباط احکام فقهی، اهمیت بررسی و تطبیق این مسائل را بیشتر نمایان می سازد.

مهم ترین پرسش تحقیق حاضر این است که حکمت تحریم بعضی از اجزای چهارپایان حلال گوشت چیست و تحقیقات علمی در عصر حاضر چه دیدگاهی درباره مختصات این اجزا و مصرف آن ها برا انسان ارائه نموده اند؟ همچنین این ممنوعیت تا چه میزان با یافته های علمی موافق بوده و تا چه حدودی در راستای سلامت جسم و روح انسان تشریع شده است؟

هرچند که فلسفه برخی از احکام در ضمن روایات معصومین (ع) اشاره شده است، شخص مسلمان برای افزایش درک خود از حکمت الهی، می تواند در فلسفه احکام تحقیق کند. البته نباید پیش داوری های غلط، فرضیات ثابت نشده و یا نکاتی

المحاسن محمد بن خالد برقی (متوفای ۲۷۴ قمری)، الکافی
شیخ کلینی (متوفای ۳۲۹ قمری)، کتب حدیثی و تالیفات
شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ قمری)، کتب شیخ مفید
(متوفای ۴۱۳ قمری)، کتب شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ قمری) و
در ضمن دیگر تالیفات علمای شیعه، ده ها حدیث در زمینه
نهی و ممنوعیت مصرف این اجزاء روایت شده است که به
جهت رعایت اختصار در این نوشتار تنها به برخی از منابع
فقهی تحریم آن عضو اشاره می کنیم. قبل از بررسی هر یک
از این اجزاء، چند نکته فقهی را متذکر می شویم:

۲-۱-۱- بررسی سند روایات

در مورد بحث سندی روایات مورد استدلال در این باب می
توان گفت که اگر چه برخی روایات (در این باب) از لحاظ
سندی قاصر بوده اما با توجه به اینکه این روایات در کتب قدیم
و معتبر حدیثی روایت شده، و محدثین و علمای متقدم
نزدیک به عصر ائمه (ع) به نقل آن ها اهتمام ویژه ای داشته و
تمامی فقها به آن ها استدلال کرده و بر اساس آن ها فتوا
صادر نموده، این قراین در حصول اطمینان به صحت روایات
کفایت می کند (سبزواری، عبدالاعلی، ۱۴۱۳، ج ۲۳، ص ۱۴۵).

۲-۱-۲- تعداد اجزای حرام

درباره اختلاف در تعداد اجزاء حرام می توان گفت که یکی از
علل آن به روایاتی بر می گردد که به ظاهر مختلف هستند و
هر کدام از روایات، تعداد خاصی از اجزاء را نام برده اند. همان
طور که برخی روایات پنج و یا هفت مورد، برخی دیگر ده و
یازده مورد را حرام ذکر می کنند. البته اختلاف در عدد
مصادیق اجزای حرام، قرینه ای است بر اینکه این روایات، در
مقام حصر واقعی نیستند و باهم منافات ندارند. در واقع هر
روایتی در مقام بیان برخی مصادیق بوده نه حصر حقیقی.
همان گونه که علامه حلی در توجیه این مسئله نوشته اند:
«... لا بد من حمل العدد الخاص الوارد فی بعضها علی بیان ذکر
بعض الافراد لا الحصر الحقیقی لئلا یلزم التنافی كما أنه لا بد

الأشاجع و خَزَزَةُ الدِّماغِ وَالْحَدَقُ» (شهید اول، ۱۴۳۰، ج ۱۳، ص
۲۹۴) از میان فقههای معاصر نیز گروهی تمام این پانزده جزء
را حرام دانسته و برخی دیگر به جز ذات الاشجاع، چهارده
مورد دیگر را حرام الاکل دانسته اند.

۲- مبانی فقهی حرمت اجزاء

برای بررسی فقهی اجزای حرام چهارپایان حلال گوشت به دو
شکل می توان وارد بحث شد شکل اول بررسی ادله کلی و
شکل دوم بررسی موردی. در بررسی کلی ادله ای که به طور
کلی به حکم همه این اجزاء اشاره شده مورد بحث قرار می
گیرد اما در بررسی موردی ادله ای که به تک تک این اجزاء
اشاره می کند مورد توجه قرار می گیرد.

۲-۱-۲- بررسی کلی

مستند حرمت این اجزاء عمدتاً روایات است و تنها حرمت
خون در قرآن به صراحت آمده است. همچنین نسبت به
حرمت برخی از اجزاء، به تحریم خبثات و ناپاکی ها که در
قرآن آمده استدلال شده که در بررسی موردی به آن ها اشاره
می شود. علاوه بر این به اجماع علمای مذهب نیز استناد شده
است. همان گونه که مرحوم شیخ طوسی پس از بیان برخی
از اجزای حرام علاوه بر روایات و طریقه احتیاط، به اجماع
امامیه استدلال می کند. (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۲۹).
همچنین صاحب جواهر در این زمینه می نویسد برخی اجزای
حرام درباره آنها هیچ اختلافی بین فقههای امامیه دیده نمی
شود و دو قسم اجماع (اجماع محصل و اجماع منقول) درباره
آنها وجود دارد به قدری که این اجماع به حد مستفیض رسیده
است (صاحب جواهر، بی تا، ج ۳۶، ص ۳۴۲).

به طور کلی برای اثبات حرمت تمامی این اجزاء (به جز ذات
الاشجاع) به روایات رسیده از معصومین (ع) استدلال می شود
که اکثر روایات این باب در کتب قدیم و معتبر شیعه نقل شده
است. از جمله در آثار قرن سوم، چهارم و پنجم مانند کتاب

۲-۲-۱- خون

واژه «الدّم» به زبان فارسی همان خون است و در زبان لاتین «Blood» می باشد. و آن مایع قرمز رنگی است که در رگ های حیوان جریان دارد. در فقه اسلامی درباره خون چهارپایان سه مسئله مطرح شده است: مسئله اول حرمت خوردن خون است که در آن اختلافی نیست. مسئله بعدی طهارت و نجاست خون است. به این صورت که خون خارج شده هنگام ذبح و بعد از ذبح محکوم به نجاست است و چنانچه خون به اندازه کافی و متعارف خارج شود، خون باقی مانده در لاشه حیوان پاک است اما خوردنش حرام است. مسئله سوم، حرمت فروش خون است که دارای دو قول است: جواز و منع. بنابر دیدگاه اقوی و مشهور اگر از خون بتوان منفعت حلال استفاده کرد، فروش آن جایز است.

حرمت مصرف خون در آیات متعدد و روایات فراوان تصریح شده است و هیچ اختلافی بین فقهای امامیه در حرمت مصرف آن دیده نمی شود (مائده/۳؛ بقره/۱۷۳؛ نحل/۱۱۵؛ انعام/۱۴۵؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۲۵۳).

برخی از روایات به حکمت تحریم خون اشاره نموده از جمله در روایتی از امام صادق (ع) چنین آمده است که خداوند متعال خوردن خون را حرام کرده به خاطر اینکه سبب پیدایش صفراء (زردآب)، ایجاد بوی تند و بد دهان و بدن و همچنین موجب بدخلقی می شود و جنون و هاری می آورد، علاوه بر این موجب سنگدلی و کمبود رأفت و مهربانی می شود، تا آنجا که ممکن است یک فرد، فرزند و پدر و مادرش را به قتل برساند و خویشاوندان او از شرش در امان نیستند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۲۴۲). همچنین در روایتی دیگر، امام رضا (ع) بیان می کنند که خداوند متعال خون را همانند مردار حرام کرد به این دلیل که در آن موجبات فساد و تباهی بدن ها فراهم می باشد (ابن بابویه، بی تا، ج ۴، ص ۴۸۵). در روایتی دیگر مردی از امام صادق (ع) درباره تحریم مصرف خون سوال می کند و امام (ع) فرمودند به دلیل اینکه خوردن خون باعث

من الأخذ بمفادها بعد رد بعضها إلى بعض ...» (علامه حلی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۳۳۳).

یکی از علل اختلاف در تعداد اجزای حرام علی الخصوص میان فقهای متقدم، چنین می تواند باشد که گاهی به سبب معلوم بودن حرمت و ناپاکی یک یا دو مورد، فقها متعرض آن ها نمی شدند.

درباره واژه «کراحت» و «مکروه» در روایات، می توان گفت همان طور که واژه «کراحت» اعم از حرام و مکروه اصطلاحی می باشد، در برخی روایات دال بر حرمت اجزاء واژه کراحت آمده، که براساس قراین و روایات دیگر روشن می شود مراد از آن همان حرام بودن است.

۲-۱-۳- تعمیم حکم به سایر چهارپایان

همچنین با استناد به روایاتی مانند: «لا یُؤکل مما یُکون فی الابل و البقر و الغنم و غیر ذلک مما لحمه حلال...» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۲۵۴) و «حُرِّمَ مِنَ الذَّبِيحَةِ عَشْرَةُ اشیاء...» (برقی، بی تا، ج ۲، ص ۶۵۲)، و همچنین روایاتی دیگر، روشن می شود که اجزای حرام مذکور در روایات، نسبت به تمامی چهارپایان حلال گوشت عمومیت دارند. عبارت «غیر ذلک مما لحمه حلال» و همچنین واژه «الذبیحه» بر تعمیم حکم دلالت دارند.

۲-۲- بررسی موردی حرمت اجزاء

صرف نظر از ادله ای که در آن ها حرمت تمام اجزای حرام از چهارپایان حلال گوشت اشاره شده است، ادله دیگری را که عمدتاً روایات هستند را می توان یافت که به یک یا چند مورد از این اجزاء اشاره دارند و می توانند مستندی بر حرمت آن جزء یا اجزای دیگر قرار گیرند. در ادامه این مبحث به بررسی ادله و احادیث موردی می پردازیم و پس از بررسی فقهی تا جایی که یافته های علمی در این خصوص وجود دارد به تطبیق ادله فقهی با یافته های علمی می پردازیم.

مصرف خون می توان گفت که اثر میکروب های بیماری زا در خون است، و خوردن خون، مساوی با خوردن همه میکروب ها است (شیرازی، ۱۳۶۸، ص ۳۲ و ۳۳).

البته این نکته را باید دانست که منظور از تحریم خون در اسلام، حرمت مصرف آن است و دیگر استفاده های معقول مانند تزریق خون برای نجات جان مجروحان و بیماران و مانند آن هیچ اشکالی ندارد، حتی دلیلی بر تحریم خرید و فروش خون در این موارد در دست نیست، به این دلیل که استفاده ای عقلایی و مشروع و مورد نیاز عمومی می باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۸۹).

علاوه بر این در زمان های گذشته خون هیچ فایده و مالیتی نداشت اما امروز که ارزش و مالیت پیدا کرده است و می توان به وسیله آن از راه ابزار و وسایل پزشکی و تزریق آن به مریض، انسانی را از خطر مرگ نجات داد خرید و فروش آن حلال و مباح است. پس تغییر حکم خرید و فروش خون بدین جهت است که با گذشت زمان شرایط و ویژگی های موضوع تغییر کرده و از آنجا که موضوع تغییر کرده به طور طبیعی حکم آن نیز تغییر پیدا می کند (جناتی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۶۹ و ۷۰).

با پیشرفت علوم در عصر حاضر هیچ ارزش غذایی برای خون ثابت نشده و در هیچ منبع علمی از خون به عنوان تغذیه مناسب برای انسان یاد نمی شود. بر این اساس در حال حاضر می توان گفت اگرچه خوردن و خرید و فروش خون برای خوراک انسان حرام است اما خرید و فروش خون برای انتفاع حلال از جمله تزریق به بیمار جهت درمان و استفاده از آن برای خوراک حیوانات مانند تبدیل خون به پودر برای خوراک دام در صورتی که ضرری برای دام یا انسان نداشته باشد، و استفاده از خون در کود و صنایع جایز است.

۲-۲-۲- طحال

قساوت و از بین رفتن مهر و عاطفه از قلب می گردد و همچنین سبب تعفن بدن و تغییر رنگ صورت و پوست انسان می شود و عاملی موثر در پیدایش بیماری جذام می باشد (طبرسی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۲۳۸).

در روایتی از امام صادق (ع) چنین بیان شده که خداوند خالق حکیم از راه تفضل و لطف و رحمت آنچه را که سبب قوام بدن و اصلاح جسم شود حلال اعلام کرده و آنچه را که به انسان ضرر می رساند حرام دانسته و از آن نهی نموده است. همچنین در حالت اضطرار آن را مباح دانسته و در شرایط خاصی که بدن انسان بدون آن قوام پیدا نمی کند، استفاده به قدر ضرورت و دفع ضرر را حلال نموده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۲۴۲).

به طور خلاصه می توان گفت که از منظر روایات اسلامی علاوه بر پلیدی و تنفر طبع انسان از خون و دارا بودن مضرات جسمانی، یکی از مهم ترین دلایل حرمت آن، از لحاظ آثار روحی و روانی است که خون خواری به دنبال دارد از جمله اخلاق پر خاشگرانه و خوی درندگی.

در بیان مختصات علمی خون گفته اند که از دو بخش مایع (پلاسما) و اجزاء سلولی تشکیل شده است و به سرعت در مجاورت هوا لخته تشکیل می دهد (آندریو گریست، ۱۳۹۴، ص ۴۹).

همچنین از نظر علمی ثابت شده است که خون حاوی آهن زیادی است و میکروب ها برای رشد خود نیاز به آهن دارند لذا خون محیط بسیار غنی و مناسب برای رشد میکروب هاست همچنان که در آزمایشگاه ها یکی از محیط های کشت میکروب، بلاد آگار (محیط خون است) است. از طرف دیگر عامل بسیاری از بیماری های دام در خون وجود دارد که ممکن است از طریق خوردن خون به انسان منتقل شوند بنابراین از نظر بهداشتی و علمی خوردن خون بسیار زیان بار خواهد بود (دوستی، حسینی، ۱۳۹۲، ص ۲۶). همچنین درباره عوارض

های آب قرار داد، جگر منقبض شد و چیزی از آن خارج نشد اما طحال منقبض نشد و هر چه داخل آن بود خارج شد و ظرف پر از خون گردید و فقط پوست و رگ های طحال باقی ماند. امام فرمودند جگر گوشت است و طحال خون (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۲۵۴). با توجه به نظریات علمی که ذکر خواهد شد، امام علیه السلام عملاً ثابت نمودند که طحال منزلگاه و قبرستان گلبول های قرمز پیر و بیمار است.

از میان مذاهب اسلامی، تنها مذهب امامیه قائل به حرمت طحال است و خوردن آن به اتفاق تمامی فقهای امامیه با استناد به روایات پیامبر اکرم و ائمه معصومین (ع) حرام است. سید مرتضی علم الهدی متوفای ۴۳۶ قمری به این امر اشاره نموده و می نویسد: «و مما انفردت به الإمامیه: تحريم أكل الطحال...» (علم الهدی، ۱۴۱۵، ص ۴۱۵).

در مقابل این دیدگاه، علمای مذاهب اهل سنت قائل به حلیت طحال هستند بلکه حلال بودن آن نزد آن ها مسئله ای اجماعی است. شمس الدین قرطبی عالم و مفسر مشهور اهل سنت در قرن هفتم، به اجماع اهل سنت بر عدم حرمت طحال تاکید می کند (قرطبی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۲۲). شاهد دیگر این است که نووی شافعی متوفای ۶۷۶ قمری تصریح می کند که نزد اهل سنت، بدون هیچ اختلافی خوردن طحال حلال است (نووی، بی تا، ج ۹، ص ۶۹-۷۰ و به طور کلی علمای اهل سنت در این زمینه به روایاتی در کتب خود استناد می کنند (ابن حنبل، بی تا، ج ۲، ص ۱۱۰۲؛ قزوینی، بی تا، ج ۵، ص ۲۱۳).

در توصیف علمی این عضو گفته اند که طحال به وسیله شریان طحالی که انشعابی از سرخرگ احشایی است خون رسانی می شود. هنگامی که طحال برش داده شود پالپ سفیدی مشاهده می شود که نشان دهنده تراکم بافت لنفاوی در اطراف سرخرگ هایی است که از طحال عبور می کنند. پالپ سفید موجود در طحال، گلبول های قرمز پیر و بیمار و ذرات را از

عضو دیگر از اجزای ممنوعه همان طحال است که متشکل از خون است. «طحال» یکی از اعضای حرام چهارپایان حلال گوشت می باشد که در زبان فارسی به آن «سپرز و یا اسپرز» و در زبان لاتین «Spleen» گفته می شود. برای اثبات حرمت طحال به روایات متعدد پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) استدلال می شود (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۷۰؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۲۵۳). اگر چه شهید ثانی چنین بیان نموده که ظاهر آیاتی که به حرمت خون تصریح می کنند، بر تحریم طحال نیز دلالت دارند (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۳۱۰).

در روایتی از امام صادق (ع) سوال می شود که چرا طحال حرام شده است و امام در پاسخ ضمن بیان یکی از حکمت های حرام شدن می فرمایند طحال حرام است به این دلیل که محل جمع شدن خون است و در روایتی دیگر می فرمایند: طحال حرام است به این دلیل که خانه خون و غذای شیطان است و طحال همان خون می باشد (ابن بابویه، بی تا، ج ۲، ص ۵۶۲؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۲۲۰). همچنین در روایتی امام رضا (ع) می فرمایند: خداوند متعال به این سبب طحال را حرام کرد که پر از خون است و علت تحریم آن و علت تحریم خون و مردار یکی است و طحال مانند این دو مورد، دارای فساد و آثار سوء می باشد (ابن بابویه، بی تا، ج ۲، ص ۴۸۵) و در روایتی از امیرالمومنین (ع) ضمن نهی از خوردن طحال آن را خانه و جایگاه خون فاسد معرفی می کنند (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۱۹۷).

علاوه بر این در روایتی (شبهه آزمایش عملی برای تبیین حرمت طحال) از امیر المومنین (ع) نقل شده که آن حضرت از قصاب ها عبور کردند و آن ها را از فروش هفت چیز از گوسفند نهی کردند از جمله فروختن طحال. یکی از قصاب ها به ایشان گفت که جگر و طحال یکی هستند و تفاوتی با هم ندارند امام (ع) فرمودند دو ظرف آب بیاورید تا تفاوت آنها را برایت نشان دهم. امام (ع) دستور می دهد که جگر و طحال را هر دو از وسط برش بدهند و آن ها را جداگانه در کاسه

گردش خون برداشت می کنند (آندریو گریست، ۱۳۹۴، ص ۶۵-۶۶).

همچنین پژوهشگران حوزه دامپزشکی معتقدند که طحال یکی از اعضای سیستم ایمنی بدن می باشد که به عنوان یک فیلتر در بدن حیوان عمل می کند و سلول های ماکروفاژی که در طحال استقرار یافته اند نقش پاک کننده ی خون از سلول های غیر طبیعی را بر عهده دارند. گلبول های قرمز دارای اشکال غیرطبیعی یا آنهایی که بیش از اندازه پیر شده اند همچنین پلاکت های غیرطبیعی توسط طحال از گردش خون برداشته می شوند. وظایف طحال به طور خلاصه شامل کنترل کیفیت سلول های قرمز خون از طریق برداشتن گلبول های قرمز مُسن و مختل در پولپ قرمز، ساخت آنتی بادی در پولپ سفید، برداشت باکتری ها و سلول های خونی پوشیده شده توسط پادتن از جریان خون. به بیان دیگر، طحال محل ذخیره گلبول های قرمز و مکانی برای تخریب گلبول های قرمز پیر و پلاکت ها است (گریسی و دیگران، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۶۵؛ هوشیاری و نجفی، ۱۳۹۵، ص ۵۵ و ۵۶).

برخی پژوهشگران معاصر درباره طحال معتقدند که این عضو هدف عوامل بیماری زای مختلف از جمله انگل های خونی، شاربین یا سیاه زخم، ضایعات سلی، تیلریوز، با بزیوز... است. نکته قابل توجه این است که بیماری های شایع و تأثیر گذار در طحال مانند شاربین یا سیاه زخم (طحال لجنی)، از بیماری های مشترک انسان و دام می باشد. با وجود این که عوامل بیماری زا در طحال از بین برده می شوند ولی بعضی از میکروب ها بعد از نابود شدن از خود ترشحات سمی یا مواد مُضر بر جای می گذارند که در صورت مصرف خوراکی طحال، این سموم می توانند در سیستم ایمنی بدن اختلال ایجاد نمایند (چاشنی دل، ۱۳۹۵، ص ۴؛ فرهی، ۱۳۹۴، ص ۴۹؛ طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۱؛ دوستی وحسینی، ۱۳۹۲، ص ۲۷).

با تأمل در یافته های علمی، این مطلب روشن می شود که طحال به عنوان یک فیلتر در بدن حیوان است و علاوه بر

اینکه قبرستان سلول های خونی بوده، جایگاه سموم بدن حیوانات می باشد به همین مناسبت است که امام علی (ع) در حدیث خود از طحال به جایگاه خون فاسد تعبیر می کند و همچنین در احادیث متعدد بر تحریم آن تأکید شده است.

۲-۲-۳- فضولات

فضولات حیوانی: از جمله اشیاء حرام چهارپایان حلال گوشت که در لسان روایات آمده است «الْفَرْث» می باشد. واژه «فَرْث» که در قرآن نیز به کار رفته (النحل/۶۶) همان (مدفوع-پشیکل) و یا سرگین است که در شکنبۀ حیوان می باشد. کلماتی مانند: الرّوث، السرجین، السرقین که در متون فقهی آمده به همین معنا می باشند و در زبان لاتین به معنای «Dung» آمده است.

درباره حرمت خوردن فضولات حیوانی (سرگین و...) علاوه بر استدلال به آیه ۱۵۷ سوره الاعراف به روایات وارده از محضر مبارک معصومین سلام الله علیهم اجمعین استدلال می شود (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۲۵۴؛ ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۴۶) و تمام فقه های متقدم و متأخر به این روایات عمل نموده و فتوای به حرمت مصرف سرگین داده اند. همچنین برخی فقها در ضمن تصریح به حرمت، آن را مصداق خوردن اشیاء خبیث و پلید می دانند که طبع انسان از آن تنفر دارد (ابن بابویه، ۱۴۱۵ ق، ص ۴۲۵).

البته درباره حلیّت و حرمت مصرف بول (ادرار) چهارپایان حلال گوشت دیدگاه واحدی وجود ندارد. از جمله، برخی فقها در شرایط علاج و درمان و ضرورت، فقط به حلیت بول شتر اشاره کرده اند. (ابن حمزه، ۱۴۰۸، ص ۳۶۴) دیدگاه دیگر که قوی تر به نظر می رسد و برخی از فقها به آن تصریح نموده اند این است که تفاوتی میان بول شتر با بول دیگر چهارپایان وجود ندارد و مصرف بول تمام چهارپایان حلال گوشت، حرام است مگر برای معالجه و درمان (سیستانی، ۱۳۹۳، ص ۵۰۹؛ شبیری زنجانی، ۱۳۸۸، ص ۵۷۴) یکی از روایاتی که می تواند مستند

از طریق خراش‌ها و زخم‌ها و غشاهای مخاطی وارد می‌شود (هوشیاری و نجفی، ۱۳۹۵، ص ۶۰ و ۶۵).

درباره مختصات کیسه صفرا و ملتهب بودن آن گفته اند که صفرا توسط هپاتوسیت‌ها تولید می‌شود و ترکیبی از آب، رنگدانه‌ها، چربی‌ها، مواد معدنی و نمک‌های صفراوی است. نمک‌های صفراوی از کلسترول‌هایی که توسط اندامک‌های داخل هپاتوسیت‌ها تولید می‌شود به دست می‌آید که عوامل صابونی کننده هستند و رنگدانه‌های صفراوی آنها به وسیله فعالیت میکروبی در روده به اوروبیلینوژن (Urobilinogen) تبدیل شده که این ترکیب سبب ایجاد رنگ قهوه‌ای مدفوع می‌شود. یکی از بیماری‌های کیسه صفرا التهاب است که شایع‌ترین علت آن فاسیولاهپاتیکا (*Fasciola hepatica*) می‌باشد که می‌تواند ناقل انتقالی باکتری‌های بیماری‌زا را عمل کند (آندریو گریست، ۱۳۹۴، ص ۴۷ و ۲۵۵).

کیسه‌ی صفرا محل ذخیره‌ی ترشحات صفراوی بوده که به وسیله‌ی کبد ساخته شده و در این کیسه ذخیره می‌شوند ترشحات صفراوی در مکانیسم‌های هضم غذا خصوصا چربی‌ها بسیار موثرند. طبع صفرا گرم و خشک است و در طب سنتی از صفرا به عنوان سمّ خون نام برده شده است ترشحات زیاد آن سبب غلبه‌ی صفرا و تولید گرمای زیاد در بدن می‌شود لذا خوردن کیسه‌ی صفرا تعادل بدن را بر هم می‌زند و باعث به خطر افتادن سلامت انسان می‌شود (دوستی وحسینی، ۱۳۹۲، ص ۲۹ و ۴۳).

بنابراین علاوه بر تاکید روایات اسلامی بر حرمت مدفوع چهارپایان و مایع تلخی مانند کیسه صفرا و متنفر بودن طبع آدمی از این اجزاء همچنین لزوم تغذیه انسان از غذای سالم و پاک، مصرف چنین مواد زائدی که ممکن است حامل انگل و آلودگی باشند و در نتیجه عامل بیماری‌های متعددی باشند ممنوع است و این موارد یکی از ادله علمی مبنی بر غیر بهداشتی بودن می‌باشد.

این دیدگاه باشد، پاسخ امام صادق(ع) به یک سوال مبنی بر حکم معالجه و درمان با بول چهارپایان است که در آنجا تفاوتی میان شتر و غیر شتر وجود ندارد(طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۲۸۴). بنابراین به نظر می‌رسد فقط در حالتی که با تشخیص متخصص، درمان یک نوع بیماری خاص منحصر به مصرف فضولات حیوانی باشد حلال می‌شود.

علاوه بر نهی و حرمت مصرف سرگین و بول چهارپایان، می‌توان گفت که مصرف آب دماغ، چرک و چرکینی و بلغم و اخلاط هر حیوانی حرام بوده و لازم است از خوردن چیزهای خبیث دیگر که طبیعت انسان از آن متنفر است اجتناب شود(خوئی، ۱۴۲۲ق، ص ۴۷۶).

از منظر علمی فضولات ترکیبی از مواد زاید و غیر قابل هضم، سموم، ترشحات گوارشی و هزاران ماده‌ی مسموم و زاید دیگر بدن است که زیان آن بر هیچ انسان عاقلی پوشیده نیست(دوستی وحسینی، ۱۳۹۲، ص ۴۳).

۲-۲-۴- کیسه صفرا

واژه «المَرارة» نیز که در برخی روایات از اجزای حرام معدود شده است(ابن بابویه، ۱۳۶۳ج ۴، ص ۳۷۰؛ کلینی، ۱۳۶۳ج ۶، ص ۲۵۴). در زبان فارسی همان کیسه صفرا یا زهره دان می‌باشد و در زبان لاتین «CallBladder» نام دارد. کیسه صفرا عضوی است که داخل آن آب تلخ زرد و یا سبزرنگ می‌باشد و در کنار جگر قرار دارد.

گروهی از پژوهشگران معتقدند که چهارپایان میزبان اصلی و مخازن انگل هستند و انگل‌های بالغ در مجاری صفراوی تخم‌هایی می‌گذارند که از طریق مدفوع خارج می‌شوند همچنین یک نوع بیماری به نام لپتوسپیروز (*Leptospirosis*) یا زردی هموراژیک وجود دارد که در واقع نوعی بیماری باکتریایی می‌باشد و به وسیله‌ی تماس با ادرار حیوان آلوده، منتقل می‌شود خصوصا آلوده شدن منابع آبی با ادرار آلوده و

۲-۲-۵- اندام های تناسلی

از میان موارد ممنوعه چهارپایان، پنج اندام جنسی و تناسلی حیوان حرام می باشد که این اندام ها نری، دُنبلان، اندام تناسلی حیوان ماده، بچه دان و بول دان می باشد.

نری: واژه های «القضیب» و «المذاکیر» که حرمت مصرف آن ها در روایات آمده است (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۷۰) هر دو به یک معنا هستند و در زبان فارسی همان آلت تناسلی چهارپایان نر می باشد که به آن ها نری نیز گفته می شود و در زبان لاتین به نام «Penis» آمده است.

دُنبلان: بنا بر روایات نقل شده از معصومین علیهم السلام یکی از اعضای حرام چهارپایان حلال گوشت دُنبلان (بیضه چهارپایان) است و ذکر کلماتی در روایات مانند: البیضتان، الأنثیان، الخصیتان، الخصیان مترادف بوده و معادل فارسی آن دُنبلان است. در زبان لاتین «Testis» نام دارد. در کتب حدیثی روایات متعددی در بیان حرمت این اندام آمده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۲۵۴) همچنین امام صادق (ع) در روایتی حکمت تحریم دُنبلان را اینگونه بیان می کنند که این اندام مکانی برای به کارگیری زناشویی (نزدیکی جنسی) و مجرای نطفه است (ابن بابویه، بی تا، ج ۲، ص ۵۶۲).

اندام تناسلی حیوان ماده: در برخی روایات در ضمن اجزاء حرام چهارپایان، واژه های «الفرج» و «الحیاء» آمده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۲۵۳ و ۲۵۴)، که هر دو به معنای عضو تناسلی ماده (عورت) می باشد و در زبان لاتین «Vagina» نام دارد.

بچه دان: واژه «المشیمه» و «الرحم» که در بعضی روایات از اجزای حرام چهارپایان حلال گوشت نام برده شده است در زبان فارسی به معنای بچه دان است. یعنی موضعی که جنین یا بچه حیوان در آن قرار دارد. در معنای آن آمده است که المشیمه یا السلی همان غشاء نوزاد حیوان است و همان

پرده ای است که بچه تا وقت تولد در آن قرار می گیرد و در غیر انسان، سلا گفته می شود (مروج، ۱۳۷۹، ص ۴۹۴) در زبان لاتین «Metris Ovary» نام دارد. مُستند شرعی حرمت این عضو روایات معصومین (ع) است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۲۴۷؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۹، ص ۷۵).

بول دان: واژه «المثانه» که در برخی روایات از اجزای حرام ذکر شده، همان بول دان است که محل جمع ادرار می باشد. و در زبان لاتین «Bladder» نام دارد. در روایات متعددی از جمله در روایتی از رسول اکرم (ص) و امام رضا (ع)، «مثانه» جزء اندام های حرام ذکر شده است (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۷۰؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۲۵۳).

از نظر علمی آلت تناسلی نر نقش دوگانه ای دارد و به عنوان سیستم تخلیه منی در هنگام جفت گیری و همچنین مجرای دفع ادرار از بدن عمل می کند. سطح پشتی آن از اتصال جسم غاری به میزراه ایجاد می شود که به وسیله جسم اسفنجی احاطه شده است. جسم غاری به غدد تناسلی نر که از جسم اسفنجی تشکیل شده ختم می شود. همچنین در خط میانی هر یک از بیضه ها اپیدیدیم واگیردار (التهاب بیضه) قرار دارد که ذخیره اسپرم های بالغ قبل از انزال را بر عهده دارد. در کالبدگشایی، بیضه ها به صورت لوبوله و زرد رنگ هستند که از لوله های مارپیچی به نام توبول های منی ساز و سلول های لیدیک تشکیل شده اند که در توبول های منی ساز اسپرم تولید می شوند و سلول های لیدیک هورمون تستوسترون ترشح می کنند. یکی از بیماری های مقاربتی چهارپایان از جمله گوسفندان، التهاب اپیدیدیم واگیردار (التهاب بیضه) می باشد که گاهی از گوسفندی به گوسفند دیگر به صورت مستقیم یا از طریق حیوان آلوده صورت می گیرد که برای مصرف انسان مناسب نیست (آندریو گریست، ۱۳۹۴، ص ۷۶-۷۸ و ۱۲۴).

خوردن سیکل های ماهیانه، خون ریزی رحمی در زنان یائسه و افزایش خطر بروز سرطان رحم و سینه می شود (چاشنی دل، ۱۳۹۵، ص ۴ و ۵).

یکی از دامپزشکان معاصر بیان نموده است که خوردن اندام جنسی ماده مثل رحم (بچه دان) که مولد هورمون استروژن است سیکل های ماهیانه را بر هم می زند و سبب ایجاد اختلالات هورمونی می شود. و در زنان یائسه خون ریزی رحمی ایجاد می کند. همچنین خطر بروز سرطان رحم و سینه را افزایش می دهد و بلوغ زودرس با سیکل های نامنظم در دختران نیز از عوارض آن است. علاوه بر این خوردن آن باعث انتقال بیماری بروسلوز از دام به انسان می شود و سردردهای میگرنی، افزایش فشار خون و ده ها عارضه ی دیگر که برای افزایش کنترل نشده ی استروژن در بدن است ذکر گردیده است. به طور خلاصه به چند دلیل علمی خوردن اندام تناسلی ماده مضر است: ۱- مجرای اصلی دفع ادرار و مواد زائد بدن است. ۲- مجرای اصلی جفت گیری است. ۳- مجرای اصلی ترشحات عفونی ناشی از بیماری های خطرناکی مثل بروسلوز یا تب مالت، لپتوسپیروز، لیستریوز است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۱؛ دوستی و حسینی، ۱۳۹۲، ص ۳۱ و ۴۱).

درباره بول دان در کتب علمی آمده است که مثانه چهارپایان از جمله گوسفند، ممکن است به علت پاتولوژیک یا تروماتیک دچار التهاب شود. عفونت ناشی از عامل بیماری زا می تواند عفونت صعودی از طریق میزنای یا عفونت نزولی از کلیه ها به میزنای باشد. علل تروماتیک عبارتند از: سنگ کلیه و میزنای. همچنین کیسه ی مثانه که محل تجمع ادرار و مواد زائد و سموم بدن است و محتویات ادرار روی آن اثر گذاشته نمی تواند در ردیف خوراکی ها قرار بگیرد چرا که خوردن آن یعنی وارد کردن سم و آلودگی به بدن محسوب می شود (آندریو گریست، ۱۳۹۴، ص ۲۵۸؛ دوستی و حسینی، ۱۳۹۲، ص ۴۲).

همچنین در مورد عوارض و ضررهای خوردن نری و سایر اندام های جنسی چنین آمده است که اندام تناسلی نر می تواند حاوی میکروب تب مالت (بیماری بروسلوز) باشد این بیماری در گاو یا گوسفند هیچ علامتی ندارد در حالی که زیستگاه اصلی آن در دنبان و رحم است مصرف این اندام ها (نری و دنبان) بیماری و عوارض خطرناکی از جمله عقیمی، تضعیف سیستم ایمنی بدن و کمردردهای طولانی مدت در انسان ایجاد می کند لذا از نظر پزشکی خوردن آن بسیار مضر است ثانیاً غدد جنسی نر حاوی تستوسترون است و می توان باعث هیرسوتیسم (پرمویی)، تاخیر در بروز علائم جنسی زنانه، سرطان پروستات، اختلالات متابولیک، افزایش فشار خون، مشکلات گوارشی و ده ها عارضه ی دیگر باشد (دوستی و حسینی، ۱۳۹۲، ص ۳۳ و ۴۰).

علاوه بر این برخی دامپزشکان درباره اندام های جنسی چهارپایان بیان می کنند که تخمدان و دنبان به خاطر نقشی که در تولید مثل دارند به عنوان منبعی برای تولید برخی هورمون ها و واسطه های شیمیایی محسوب می شوند. تغییر در اندازه این هورمون ها می تواند باعث بروز تداخل در کارایی هیپوفیز و تخمدان یا بیضه انسان شود و به طور کلی خوردن هیپوفیز، تخمدان و یا بیضه می تواند یکی از عوامل برهم خوردن کنترل هورمون های محور هیپوتالاموس-هیپوفیز-تخمدان یا بیضه شود. علاوه بر این در حیوانات عوامل میکروبی و ویروسی متعددی وجود دارند که در اندام های تناسلی حیوانات جایگزین می شوند که نه تنها باعث کاهش باروری و بیماری در خود حیوانات می شوند بلکه در مصرف و یا تماس انسان با این اندام ها باعث انتقال بیماری می شوند (هوشیاری ونجفی، ۱۳۹۵، ص ۵۶ و ۵۷).

علاوه بر این طبق برخی تحقیقات، مصرف اندام ها و غدد جنسی نر و ماده چهارپایان توسط انسان می تواند منشأ آشفته گی های متعددی در بدن شود. علاوه بر این مصرف غدد جنسی ماده که مولد هورمون استروژن می باشند سبب بر هم

از منظر علمی درباره نخاع و پی گردن آمده است که نخاع (مغز حرام) به دلیل داشتن ساختار عصبی و ترشحات و تحریکات عصبی در معرض بیماری‌های ناشناخته عصبی است که نمی‌توان آنها را از روی لاشه تشخیص داد لذا خوردن آن می‌تواند اختلالاتی در بدن ایجاد کند. علاوه بر آن بافت نخاع از نوع چربی بد هضم است که برای بدن مضر است و این رباط (پی گردن) از پشت سر و گردن شروع شده و تا انتهای ستون فقرات یعنی ابتدای دم ادامه دارد خوردن آن به خاطر غیر قابل هضم بودن آن و ایجاد مشکلات گوارشی سیار مضر است (دوستی وحسینی، ۱۳۹۲، ص ۳۶ و ۳۷).

۲-۷- غُدَد (غده های گوشتی، غده هیپوفیز)

غُدَد: واژه «الغُدَد» که به عنوان یکی از اعضای حرام چهارپایان در روایات ذکر شده است (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۷۰؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۲۵۳ و ۲۵۴)، همان غده‌ها و عقده‌های کوچک در بدن حیوان که آن را «گره گوشت» یا «دُشُول» می‌نامند به معنای پاره گوشت سفت که بین پوست و گوشت بدن تشکیل می‌شود. همچنین به نام های گره های لنفاوی و عقده لنفاوی معروفند و در زبان لاتین «Lymphnodes» نام دارند.

در بیان حکمت نهی و ممنوعیت مصرف غدد چهارپایان، حدیثی از امیرالمومنین (ع) و امام صادق (ع) روایت شده است که می‌فرمایند هر یک از شما چنانچه گوشت بخرد، باید غدد را از آن خارج کند و دور بریزد به این دلیل که چه بسا خوردن آن رگ جذام را تحریک می‌کند (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۲۵۴؛ ابن بابویه، بی تا، ج ۲، ص ۵۶۱؛ برقی، بی تا، ج ۲، ص ۴۷۱).

نخودی مغز: علاوه بر حرمت تمامی غدد بدن چهارپایان، «خرزۀ الدماغ» نیز در روایات و متون فقهی به طور خاص از اجزای حرام ذکر شده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۲۴۷؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۹، ص ۷۵) این اندام به زبان فارسی

همان طور که در این مبحث اشاره شد خوردن اندام های جنسی و تناسلی از نظر علمی توصیه نمی‌شود بلکه می‌تواند حاوی انواع میکروب ها باشد و همچنین می‌تواند سبب اختلالات هورمونی و جنسی شود. بنابر این می‌توان گفت که یکی از حکمت های تحریم این اندام ها، مسئله بهداشتی و به جهت جلوگیری از انتقال بیماری های مشترک است و چنین اندام هایی علاوه بر اینکه می‌توانند باعث ایجاد خطر انتقال انواع بیماری شوند، می‌توانند سبب ایجاد اختلالات جنسی در انسان شوند.

۲-۶- نخاع و پی گردن

نخاع: یکی از اجزای حرام چهارپایان «نخاع» است. نخاع یا مغز حرام ماده‌ای است مانند نخ سفید که در ستون فقرات پشت کمر، دانه های مهره را منظم می‌کند و در زبان لاتین «spinal cord» نام دارد. حرمت خوردن نخاع به صراحت در روایات بیان شده و درباره حکمت تحریم نخاع در روایتی، ابان بن عثمان از امام صادق (ع) سوال می‌کند که چرا نخاع حرام شده است؟ امام در پاسخ می‌فرماید زیرا این عضو محل آب جهنده (منی) در هر مذکر و مونث است. و این نخاع همان مغز طولانی است که در مهره های پشت قرار دارد (ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۰؛ علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۶۲).

پی گردن: از جمله موارد حرام چهارپایان حلال گوشت در لسان روایات «العلباء» می‌باشد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۲۵۴) العلباء (زرد پی) همان پی گردن در دو طرف تیره پشت است و علامه حلی بیان نموده که العلباء یعنی دو عصب پهن و زرد رنگ که از گردن تا دم کشیده شده اند (علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۶۴۰). در زبان لاتین «Nutchalligaments» نام دارد.

آفرین است (دوستی و حسینی، ۱۳۹۲، ص ۳۰ و ۳۲؛ طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۱).

علاوه بر این در برخی آثار علمی آمده است که مصرف این غدد و سایر غدد جنسی عامل ایجاد هیرسوتیسم (پرمویی)، تأخیر در بروز علاقه‌ی جنسی زنانه، سرطان پروستات، اختلالات متابولیک، افزایش فشار خون، مشکلات گوارشی و ده‌ها عارضه‌ی دیگر. و با اکتفا به این دوهورمون که بدون شک از طریق گوارشی (هر چند اندک) قابل جذب می‌باشند می‌توان با قدرت ممنوعیت مصرف خوراکی غدد تولیدکننده‌ی آنها را تأیید نمود (فرهی، ۱۳۹۴، ص ۵۱).

همچنین مصرف خود غده تولیدکننده‌ی هورمون، چیزی نیست که قابل دفاع باشد و هیچ مقام علمی مصرف خوراکی آن را تأیید ننموده است. بنابراین خوردن اندام‌ها و غدد جنسی نر و ماده در دام‌های حلال گوشت آشفتگی‌های متعددی را در بدن انسان به وجود می‌آورد و تاکنون هیچ مستند علمی مصرف خوراکی غدد تولیدکننده‌ی هورمون را تأیید نکرده است (چاشنی دل، ۱۴۱۵ق، ص ۴ و ۵؛ فرهی، ۱۳۹۴، ص ۵۰؛ طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۱). آنچه ذکر شد برای اثبات مضرات خوردن غدد کافی به نظر می‌رسد.

۲-۸- میان سُم (ذات الاشجاع)

غده میان سُم یا ذات الاشجاع از اجزای حیوان است که برخی آن را بن انگشتان متصل به عصب پشت دست و برخی از آن به غده ای که میان سم است، تعبیر کرده‌اند. طبق تعریف مشهور، ذات الاشجاع همان عصب و غده ای است که به سُم چهارپایان متصل است (میان سُم) و ظاهر کف چهارپایان همان سُم است و سُم چهارپایان، همان ناخن شاخی شده‌ی انتهای انگشتان برخی پستانداران می باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۷، ص ۳۰۹؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ق، ج ۴،

همان نخودی وسط مغز است که به غده هیپوفیز معروف است. و در زبان لاتین «Hypophysis» نام دارد.

در نقاط خاصی از بدن چهارپایان عقده های لنفاوی بیضی شکل و یا لوبیایی شکل وجود دارد که هر کدام به عنوان فیلتری برای مایعات لنفاوی عمل می کنند که از ناحیه خاصی زهکشی شده و به همین دلیل تغییر حالت یک عقده لنفاوی نشان دهنده عفونت در ناحیه زهکشی است. مایعات لنفاوی قبل از بازگشت به گردش خون حداقل از میان یکی از عقده های لنفاوی عبور می کنند. لنف، مایعی شبیه به پلاسمای خون است اما پروتئین کمتری نسبت به آن دارد و به راحتی می تواند از عروق داخل و خارج شود. بافت لنفاوی به عنوان محلی برای پاسخ موضعی به عوامل بیماری زا می باشد. توده بافتی در مناطقی قرار دارد که عوامل عفونی می توانند وارد بدن شوند همچنین غده هیپوفیز یک غده کوچک به رنگ زرد مایل به قهوه ای و دو لوبی است که در جمجمه در خط میانی مغز واقع شده است. هیپوفیز به وسیله یک سیستم کوچک از رگ های خونی کبدی از هیپوتالاموس جدا می شود (آندریو گریست، ۱۳۹۴، ص ۵۶ و ۶۴ و ۸۵).

در اثر دیگری درباره مصرف غدد حیوانی و غده هیپوفیز چنین آمده است که تولید سلول‌های ایمنی بدن به عهده‌ی غدد لنفاوی است و لذا با ایجاد هر عفونتی در بدن این غدد شروع به فعالیت می‌نمایند و ضایعات حاصل از جنگ با عفونت را در خود جمع می‌کنند لذا مصرف غدد لنفاوی به علت خطر وجود تمامی عوامل بیماری‌زای بدن حیوان در آن‌ها مخاطره‌آمیز خواهد بود همچنین غده‌ی هیپوفیز در مباحث فیزیولوژیک به طور مستقیم و یا به شکل «فیدبک» و تنظیمی منشاء تولید بسیاری از هورمون‌های جنسی است که به دنبال مصرف این غده پروتئین‌های حیاتی موجود در مغز انسان به عنوان ریسپتورهای استروئیدی عمل نموده و واکنش متقابلی از خود بروز می‌دهد علاوه بر این چون که در ردیف غدد دسته‌بندی می‌گردد از آن جهت نیز خوردن آن برای بدن مضر و خطر

الاشجاع(میان سُم) را از روایت دال بر حرمت سُم(الظلف) برداشت کرده باشند.

از امام صادق(ع)روایتی درباره حکم «الظلف» نقل شده که این اندام در قسمت اول روایت جزء موارد حرام ذکر شده و در قسمت دوم روایت، جزء اجزای حلال آمده است (برقی، بی تا، ج ۲، ص ۴۷۱) همچنین در روایتی دیگر از ایشان این اندام در قسمت موارد مکروه نیز آمده است(ابن بابویه، بی تا، ج ۲، ص ۵۶۲) در این روایات می بینیم واژه «الظلف» در ضمن موارد ممنوعه(حرام-مکروه) آمده و همچنین از موارد حلال و مباح مردار ذکر شده است. علامه مجلسی درباره روایت دوم چنین اشاره می کند که ممکن است شمردن واژه «الظلف» در قسمت موارد نهی شده و همچنین تکرار آن جزء موارد اباحه، مراد از عبارت اول کراهت خوردن، و در عبارت دوم جواز استفاده از آن(غیر خوردن) می باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۳، ص ۳۷).

درباره معنای لغوی «الظلف»، در بسیاری از کتب لغوی، این واژه صراحتاً به معنای سُم چهارپایان از جمله سُم گاو، شتر و آهو و مانند آن ها آمده است و سُم چهارپایان، همان ناخن انگشتان چهارپایان می باشد(فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۱۶۰؛ صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۲۸). بنابراین ممکن است برای نهی از مصرف غده میان سُم، به این روایات نهی از مصرف الظلف(سُم) استدلال شود.

از نظر علمی ذات الاشجاع غده‌ی بین سمی است که جزء غدد سباسه (چربی) و دارای ترشحات چربی است. عموماً در وسط آن تعدادی مو وجود دارد و در اکثر مواقع عفونی شده و دام دچار لنگش می‌شود خوردن این غده از نظر علمی به خاطر غده بودنش و همچنین داشتن ترشحات چربی ثقیل الهضم و مضر است گر چه احتمال عفونی بودن آن نیز همیشه وجود دارد (دوستی وحسینی، ۱۳۹۲، ص ۳۵).

ص ۵۳۲، ج ۳، ص ۶۹۹). غده بین سُمی(میان سُم) در زبان لاتین «Lntere Digital Pouch» نام دارد.

درباره حکم ذات الاشجاع دیدگاه واحدی وجود ندارد و طبق بررسی های انجام شده، روایتی مبنی بر حرمت ذات الاشجاع یافت نشد و ظاهراً این واژه در روایات نیامده است و همین مورد می تواند یکی از علل اختلاف در حرمت آن باشد.

با مراجعه به کتب متقدمین شیعه چنین یافت می شود که شیخ طوسی محدث و فقیه مشهور قرن پنجم متوفای ۴۶۰ قمری در کتاب النهایه(ظاهراً برای اولین بار) ذات الاشجاع را جزء اجزای حرام نام برده است(طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۵۸۵) همچنین ابن براج، عالم قرن پنجم متوفای ۴۸۱ قمری، ابن ادریس حلی متوفای ۵۹۸ قمری، ابن حمزه طوسی از علمای قرن ششم، علامه حلی از علمای قرن هفتم صراحتاً ذات الاشجاع را از اجزای حرام گوشت دانسته اند (ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۴۴۱؛ ابن ادریس، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۱۷۲؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸، ص ۳۶۱؛ علامه حلی، ۱۱۴۱۳ق، ص ۱۶۴) همچنین برخی از فقهای معاصر بنابر فتوا یا بنابر احتیاط مصرف ذات الاشجاع را حرام می دانند(وحید خراسانی، ۱۳۸۶، ص ۵۴۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ص ۴۳۹؛ شبیری زنجانی، ۱۳۸۸، ص ۵۷۳).

این مسئله روشن نیست که این تحریم از باب احتیاط و یا ناشی از اجتهاد فقهای متقدم از جمله شیخ طوسی بوده و یا به خاطر غده بودن ذات الاشجاع، همان ادله حرمت غدد بر این عضو نیز قابل استناد و تعمیم باشد و آنها برای تاکید بیشتر هر دو را جدا ذکر نموده باشند و یا اینکه روایتی صریح دال بر تحریم این عضو برای آنها نقل شده که اکنون به دست ما نرسیده است.

احتمال دیگر و قابل تأمل این است که واژه «الظلف» که در روایاتی از خوردن آن نهی شده است به معنای سُم چهارپایان است. و شاید مرحوم شیخ طوسی و دیگر فقهاء، حرمت ذات

شاید نسبت به احکام حرمت مسئله مورد پژوهش می توان گفت که در فراورده های تولیدی، چنانچه در ماهیتشان تغییر حاصل شود به گونه ای که عرفاً عنوان قبلی در آن صدق نکند که معمولاً با تغییر در خواص و پیدایش آثار جدیدی همراه است از باب استحاله و استهلاك می توان حکم به حلّیت شرعی و جواز اکل آن را صادر کرد. چنانچه شک کنیم که آیا فراورده تولیدی با این میزان از تغییرات به مرحله استحاله شدن رسیده است یا خیر مجرای استصحاب جاری می گردد که مفاد آن عدم تحقق استحاله و استهلاك است (اختراعی طوسی، ۱۳۹۶، ص ۸۲).

نتیجه گیری

۱- اگرچه آثار علمی محدود و اندکی به مجاز یا ممنوعیت مصرف این اجزا اشاره کرده اند، با تحقیق و بررسی دقیق این اجزاء چنین یافت می شود که حرام بودن غالب این اعضا به این دلیل است که مصرف آنها باعث انتقال بیماری مشترک به انسان، ایجاد مشکلات گوارشی و به دلیل مسائل مختلف بهداشتی می باشد.

۲- نسبت به این اجزاء می بینیم که طبیعت انسان سالم و عاقل از مصرف برخی از این موارد متنفر است. به عبارت دیگر خباثت، ناپاک بودن و تنفر آور بودن خوردن برخی اجزاء مانند خون، فضولات، غُدد و اندام های جنسی و تناسلی (مانند: نری، بیضه ها، مثانه، فرج، بچه دان) که غالباً در معرض نطفه و ادرار هستند تا حدودی آشکار و ملموس است.

۳- بر اساس نکات علمی یافت شده می توان گفت که این محدودیت در بهره برداری از دام ها، در راستای دفع ضرر جسمانی بوده و بعضی از این اجزا که در فقه حرام هستند، محل جمع شدن بعضی از میکروب ها و عوامل خارجی و دفعی

همچنین در توصیف ویژگی این اندام چنین بیان شده است که پاهای عقب چهارپایان (مانند گوسفند) دارای یک کیسه بین انگشتی (سینوس بین انگشتی - Sinus interdigitalis) هستند که دقیقاً در بالای سم باز می شود. غده هایی در دیواره های این کیسه وجود دارد که یک مایع مومی ترشح می کنند، در فارسی به آن مو دزدک یا ذات الاشاجع می گویند. سم ها تمام وزن بدن حیوان را تحمل می کنند و می توانند جهت تشخیص برخی از بیماری ها و وضعیت سلامت حیوان بکار روند علاوه بر این مسیر ورود عوامل بیماری زای موجود در محیط می باشند. همچنین یکی از بیماری های باکتریایی گوسفند، گندیدگی سم (بین انگشتان پا) می باشد که گاهی به شکل توت فرنگی می باشد. در حالاتی باعث لنگش همراه با بوی متعفن، و ممکن است هر چهار پا درگیر باشند و این عفونت می تواند منجر به جداسدن سم از محل اتصال پوست به شاخ گردد و در این صورت بیماری مشترک بوده و بخش های آلوده باید ضبط شود (آندریو گریست، ۱۳۹۴، ص ۱۱ و ۱۲ و ۱۲۹).

۲-۲-۹- حدقه چشم

واژه «الحدقه» که در روایات به عنوان یکی از اجزای حرام نام برده شده است (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۲۴۷) همان سیاهی چشم (مردمک) است و در زبان لاتین «Lens pupil» نام دارد. درباره قابل مصرف بودن یا نبودن حدقه چشم مطالب علمی متعددی یافت نشد اگرچه در یک اثر علمی چنین آمده است که حدقه چشم شامل مجموعه ای از اعصاب و سلول های عصبی و ترشحات هورمونی است همچنین چشم، خود دارای بیماری هایی است که تشخیص آنها قبل از کشتار به سختی ممکن می شود و پس از کشتار غیر ممکن است لذا جهت اطمینان بیشتر بهتر این است که حدقه ی چشم را نخوریم (دوستی و حسینی، ۱۳۹۲، ص ۳۹).

		الخَصِيْتَانِ، الخصيان
Metris Ovary	بچه دان	المَشِيمَةُ، الرحم
Bladder	بول دان	الْمَثَانَةُ
Vagina	اندام تناسلی حیوان ماده	الْفَرْجُ، الحياء
Call Bladder	کیسه صفراء	الْمَرَارَةُ
Lymphnodes	گره گوشت، دُشُول	الْعُدَدُ
Hypophysis	نخودی مغز، غده هیپوفیز	خُرْزَةُ الدِّمَاغِ
Lens pupil	حدقه چشم	الْحَدَقَةُ
Spinal cord	نخاع، مغز حرام، نخ سفید در ستون فقرات پُشت کمر	النَّخَاعُ
Nutchal Ligaments	پی گردن	العَلَبَاءُ
Intere Digital Pouch	میان سُم	ذَاتُ الْأَشَاجِعِ

چهارپایان بوده که غالباً برای انسان بیماری را می باشند و برای مصرف مناسب نیستند و ارزش غذایی خاصی ندارند.

۴- حُرْمَتِ اندام های مذکور به این دلیل نیست که ذاتاً اندامی بد و پلید باشند بلکه تنها برای مصرف انسان غیرمناسب و ممنوع می باشند. برای نمونه خوردن فضولات چهارپایان برای انسان غذای نامناسب، پلید و ممنوع بوده اما برای کشاورزی، تولیدگاز و... قابلیت بهره برداری و استفاده می باشد. یا اینکه استفاده از خون برای خوراک انسان و عبادت های مشروط به طهارت ممنوع شده، اما ممکن است استفاده های مفید و کاربردی دیگری داشته باشد مانند تولید پودرخون برای تغذیه دام که در صورت عدم ضرر و زیان به انسان جایز می باشد.

علاوه بر این چنانچه در آینده برخلاف نتایج فعلی از منظر علمی این اندام ها مفید تشخیص داده شوند و یا به عنوان علاج بیماری خاصی شناخته شوند تنها در صورتی که درمان بیماری منحصر به خوردن این عضو باشد و داروی جایگزینی در میان نباشد، مصرف آن برای بیماری مباح می شود. بنابراین حرمت خوردن این اجزاء مربوط به حالت اختیاری است اما در حالت اضطرار حلال می شوند.

اصطلاح فقهی	فارسی	لاتین
الذَّم	خون	Blood
الطِّحَال	سیهرز	Spleen
الفَرْثُ، الروث، السرچین، السرقرین	فضولات، مدفوع، پشکیل	Dung
القَضِيبُ، المَذَکِر	نری	Penis
البیضتان، الکُثْبَانِ	دُبَلان	Testis

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می شود.

از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می شود.

چاشنی دل، بداله، (۱۳۹۵ش)، معیارهای زیست شناختی حلال و حرام بودن گوشت حیوانات با تأکید بر آیات قرآنی، دانشگاه اصفهان، دومین همایش ملی قرآن و علوم زیستی با محوریت غذای سالم.

خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۴۲۲ق)، توضیح المسائل، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، چاپ دهم.

دوستی، اسماعیل و حسینی، سید مسعود (۱۳۹۲ش)، ذبح شرعی و نظارت بهداشتی، شهرکرد، نیوشه.

سبزواری، عبدالاعلی، (۱۴۱۳ق)، مذهب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام، قم، سیدعبدالاعلی سبزواری.

سیستانی، سید علی، (۱۳۹۳ش)، توضیح المسائل، قم، دفتر آیت الله العظمی سیستانی.

شیرازی زنجانی، موسی، (۱۳۸۸ش)، توضیح المسائل، قم، سلسبیل.

شهید اول، محمد بن مکی، (۱۴۳۰ق)، موسوعه الشهید الأول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، محقق محمد کلانتر، قم، مکتبه الداوری.

شیرازی، احمدامین، (۱۳۶۸ش)، اسلام پزشکی بی دارو، قم، نسل جوان.

صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة، بیروت - لبنان، عالم الكتب.

صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، (بی تا)، جواهر الکلام، محقق و معلق: محمود قوچانی و دیگران، بیروت - لبنان، دار احیاء التراث العربی.

طباطبایی، سیدمحمد (۱۳۸۸ش)، قرآن و دانش - گوشت حلال، بشارت، شماره ۷۰.

طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۲۴ق)، الاحتجاج، قم، سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه.

طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۰ق)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت - لبنان، دار الکتاب العربی.

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

قرآن کریم

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۳ش)، من لا یحضره الفقیه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

ابن بابویه، محمد بن علی، (بی تا)، علل الشرائع، قم، مکتبه الداوری.

ابن براج، عبدالعزیز بن نحیر، (۱۴۰۶ق)، المذهب، قم، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم.

ابن حنبل، احمد بن محمد، (۱۴۱۶ق)، المسند، قاهره - مصر، دار الحديث.

ابن ادریس، محمد بن احمد، (۱۳۸۷ش)، موسوعه ابن ادریس الحلی، محقق محمد مهدی خراسان، قم، دلیل ما.

ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۵ق)، المقنع، قم، پیام امام هادی (ع).

ابن حمزه، محمد بن علی، (۱۴۰۸ق)، الوسيلة إلى نیل الفضيلة، قم، مکتبه آية الله العظمی المرعشی النجفی (ره).

آندریو گریست، (۱۳۹۴ش)، بازرسی گوشت گوسفند (آناتومی، فیزیولوژی و خصوصیات بیماری ها)، مترجمین: یاسر شهبازی، روزین بهرامی، نسیم شایسی، کرمانشاه، دانشگاه رازی.

برقی، احمد بن محمد، (بی تا)، المحاسن، مصحح: جلال الدین محدث، قم، دار الكتب الإسلامية.

جناتی، محمد ابراهیم، (۱۳۸۶ش)، تطور اجتهاد در حوزه استنباط، تهران، امیر کبیر.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۴ق)، توضیح المسائل قم، مدرسه الإمام علی بن
أبی طالب (ع).

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ ش)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه،
چاپ سی و دوم.

نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، بیروت - لبنان،
مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.

نوی، محی الدین بن شرف، (بی تا)، المجموع، بیروت - لبنان، دارالفکر.

وحید خراسانی، حسین، (۱۳۸۶ش)، توضیح المسائل، قم، مدرسه الامام باقر
العلوم (ع).

هاشمی شاهرودی، محمود، (۱۳۸۲ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت
(ع)، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).

هوشیاری، عارف و نجفی، غلامرضا (۱۳۹۵ش)، طب دامپزشکی و نقش آن
در فقه اسلامی، ارومیه، جهاد دانشگاهی، چاپ پرستو.

اختراعی طوسی، سید مصطفی و ناصری مقدم، حسین (۱۳۹۶)، امکان
سنجی فقهی تولید فراورده های حلال از اجزای حرام بررسی موردی
خون، مجله فقه پزشکی، دوره نهم شماره سی و دو و سی و سوم.

طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، الخلاف، قم، جماعه المدرسين فی
الحوزة العلمية بقم.

طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۶۵ش)، تهذیب الأحکام، محقق: حسن خراسان،
مصحح محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.

علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۰ق)، تحریر الأحکام الشرعیة علی
مذهب الإمامیه، قم، مؤسسه الإمام الصادق (ع).

علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۳۷۴ش)، مختلف الشیعة فی أحكام
الشریعة، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۱ق)، تبصرة المتعلمین فی أحكام
الدین، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

علم الهدی، علی بن حسین، (۱۴۱۵ق)، الانتصار، قم، جماعه المدرسين فی
الحوزة العلمية بقم.

فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، العین، قم، مؤسسه دار الهجرة.

فرهی، سیدفرید، (۱۳۹۴ش)، روش های مختلف ذبح و اثر آن بر کیفیت
گوشت، کرج، پژوهش اخوت.

قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۸۴ق)، الجامع لاحکام القرآن، القاهرة، دار
الکتب المصریة، الطبعة الثانية.

قزوینی، ابن ماجه، (بی تا)، السنن، تحقیق: محمدفواد عبدالباقی، قاهره -
مصر، داراحیاء الکتب العربیه.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۳ش)، الکافی، مصحح: محمد آخوندی و
علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الإسلامیه.

گریسی، جوزف و دیگران، (۱۳۹۷ش)، بهداشت گوشت، مترجم:
حمیدخانقاهی ابیانه و دیگران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ
سوم.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، محقق:
عبدالزهراء علوی، بیروت - لبنان، دار إحياء التراث العربی.

مروج، حسین، (۱۳۷۹ش)، اصطلاحات فقهی، قم، بخشایش.